

کرانداری و معکوس‌پذیری عملگر ضرب نقطه‌ای روی فضاهای وزن‌دار از توابع هولومورفیک روی نیم‌صفحه بالا

محمدعلی اردلانی*

استادیار، گروه ریاضی محض، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

Boundedness and invertibility of a pointwise multiplication operator on weighted spaces of holomorphic functions on the upper half-plane

Mohammad Ali Ardalani

Assistant Professor, Department of Pure Mathematics, University of Kurdistan

Received: 1/7/2018

Accepted: 2/14/2018

Abstract: In this paper, we find necessary and sufficient conditions for boundedness and invertibility of pointwise multiplication operator on weighted spaces of holomorphic functions on the upper half-plane where our weights does not satisfy any growth conditions necessarily. We also show that pointwise multiplication operator is not a compact operator on these spaces. Finally, we present an open problem.

Keywords: weighted spaces, holomorphic functions, pointwise multiplication operator, weight function.

چکیده: در این مقاله شرایط لازم و کافی برای کرانداری و معکوس‌پذیری عملگر ضرب نقطه‌ای روی فضاهای وزن‌دار از توابع هولومورفیک روی نیم‌صفحه بالا را می‌یابیم، جایی که وزن‌های ما لزوماً در هیچ شرط رشدی صدق نمی‌کنند. همچنین نشان می‌دهیم عملگر ضرب نقطه‌ای روی این فضاها فشرده نیست. در پایان نیز یک سؤال باز مطرح می‌کنیم.

کلمات کلیدی: فضاهای وزن‌دار، توابع هولومورفیک، عملگر ضرب نقطه‌ای، تابع وزن.

۱ مقدمه

خودنگاشت روی فضاهای وزن‌دار از توابع هولومورفیک روی نیم‌صفحه بالا می‌باشد. نکته قابل توجه این است که نتایجی که برای عملگر ضرب نقطه‌ای به دست می‌آوریم به خواص تابع وزن بستگی ندارند؛ یعنی لازم نیست که تابع وزن در شرایط رشدی $(*)$ یا $(**)$ که در [۲] معرفی شده‌اند

همان‌گونه که در [۱] کرانداری و معکوس‌پذیری عملگر ضرب نقطه‌ای به عنوان یک خودنگاشت روی فضاهای وزن‌دار از توابع هولومورفیک روی گوی یکی مورد مطالعه قرار گرفته است، هدف این مقاله یافتن شرط لازم و کافی برای کرانداری و همچنین معکوس‌پذیری عملگر ضرب نقطه‌ای به عنوان یک

*Corresponding author: m.ardalani@uok.ac.ir

*نویسنده مسئول

$$\forall \omega \in G \quad |f(\omega)| \leq M.$$

مجموعه تمام توابع کراندار و هولومورفیک روی G را با نماد $H^\infty(G)$ نشان می‌دهیم.

مثال ۱. اگر $f: G \rightarrow \mathbb{C}$ را با ضابطه $f(\omega) = e^{i\omega}$ تعریف کنیم، آنگاه به وضوح داریم $f \in H^\infty(G)$.

تعریف ۳. فرض کنید $\varphi \in H(G)$ و φ تابع ثابت نباشد. در این صورت عملگر ضرب نقطه‌ای $M_\varphi: H(G) \rightarrow H(G)$ چنین تعریف می‌شود

$$M_\varphi(f) = \varphi f$$

تذکر ۱. اگر عملگر ضرب نقطه‌ای M_φ را روی فضای $H_\nu(G)$ در نظر بگیریم، به وضوح داریم $M_\varphi(f) = \varphi f \in H(G)$ اما $\|\varphi f\|_\nu$ لزوماً متناهی نیست. یعنی φf لزوماً عضوی از $H_\nu(G)$ نیست.

مقدمه را با یادآوری دو قضیه کلاسیک از آنالیز تابعی به پایان می‌رسانیم.

قضیه ۱. فرض کنید X و Y فضاهای باناخ و $T: X \rightarrow Y$ یک تبدیل خطی فشرده باشد. در این صورت طیف T ، حداکثر تعداد شمارش‌پذیر عضو دارد.

برهان. قضیه ۱.۷ از [۳] را ببینید. \square

قضیه گراف بسته: فرض کنید X و Y فضاهای باناخ و $T: X \rightarrow Y$ یک تبدیل خطی با گراف بسته باشد. در این صورت T پیوسته است.

برهان. قضیه ۱.۳ از [۴] را ببینید. \square

صدق کنند. همچنین طیف عملگر ضرب نقطه‌ای را محاسبه کرده و با استفاده از آن نشان می‌دهیم عملگر ضرب نقطه‌ای فشرده نیست. نهایتاً این مقاله را با مطرح کردن یک سؤال باز به پایان می‌رسانیم. حال به ذکر تعاریف و مفاهیمی می‌پردازیم که در ادامه این مقاله مورد نیاز هستند.

فرض کنید $G = \{\omega \in \mathbb{C} : \text{Im } \omega > 0\}$

نیم‌صفحه بالا در صفحه مختلط \mathbb{C} باشد. در این صورت تابع $f: G \rightarrow \mathbb{C}$ را مشتق‌پذیر یا هولومورفیک روی G می‌نامیم هرگاه f در هر نقطه‌ای از G مشتق‌پذیر باشد. مجموعه تمام توابع هولومورفیک روی G را با نماد $H(G)$ نشان می‌دهیم. تابع پیوسته و مثبت $\nu: G \rightarrow (0, \infty)$ را یک وزن روی G می‌نامیم. برای $f \in H(G)$ ، نرم سوپریمم وزنی f ، یعنی $\|f\|_\nu$ و فضای وزن‌دار از توابع هولومورفیک روی G ، یعنی $H_\nu(G)$ را به ترتیب به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

$$\|f\|_\nu = \sup_{\omega \in G} |f(\omega)| \nu(\omega)$$

و

$$H_\nu(G) = \{f \in H(G) : \|f\|_\nu < \infty\}.$$

تعریف ۱. تابع هولومورفیک $\psi \in H(G)$ را ضربگر $H_\nu(G)$ می‌نامیم هرگاه به ازای هر $f \in H_\nu(G)$ داشته باشیم $\psi f \in H_\nu(G)$. همچنین مجموعه تمام ضربگرهای $H_\nu(G)$ را با $M(H_\nu(G))$ نشان می‌دهیم.

تعریف ۲. تابع هولومورفیک $f \in H(G)$ را کراندار گوئیم هرگاه ثابت مثبتی مانند M وجود داشته باشد به طوری که

۲ نتایج اصلی

صورت داریم $\varphi \in M(H_\nu(G)) \Leftrightarrow \varphi \in H^\infty(G)$

به‌طور معادل نتیجه می‌شود

$$M(H_\nu(G)) = H^\infty(G).$$

در قضیه زیر شرط لازم و کافی برای معکوس‌پذیری عملگر ضرب نقطه‌ای را بیان می‌کنیم. اما قبل از بیان قضیه، یادآوری این نکته که $H_\nu(G)$ یک فضای باناخ است ضروری می‌باشد ([1] را ببینید).

قضیه ۳. فرض کنید ν یک تابع وزن باشد و $\varphi \in H^\infty(G)$. در این صورت موارد زیر معادل هستند:

(۱) عملگر $M_\varphi: H_\nu(G) \rightarrow H_\nu(G)$ معکوس‌پذیر (یا به‌طور معادل پوشا) است.

(۲) $\frac{1}{\varphi} \in H^\infty(G)$ ، یعنی ثابت $K > 0$ وجود دارد به‌طوری‌که $\forall \omega \in G, |\varphi(\omega)| \geq K$.

برهان. فرض کنید (۱) برقرار باشد. در این صورت چون M_φ یک عملگر خطی پوشا از فضای باناخ $H_\nu(G)$ به $H_\nu(G)$ می‌باشد، لذا $graph(M_\varphi) = H_\nu(G) \times H_\nu(G)$ بسته است. بنابراین از قضیه گراف بسته نتیجه می‌شود M_φ پیوسته است. همچنین معکوس M_φ نیز باید به عنوان یک عملگر خطی بین فضاهای باناخ پیوسته باشد. اما به‌وضوح معکوس M_φ باید به فرم $M_{\frac{1}{\varphi}}$ باشد. حال از

قضیه ۲ نتیجه می‌شود که $\frac{1}{\varphi} \in H^\infty(G)$.

برعکس، اگر $\frac{1}{\varphi} \in H^\infty(G)$ ، آنگاه از قضیه ۲ نتیجه می‌شود که $M_{\frac{1}{\varphi}}$ یک عملگر خطی پیوسته روی

همان‌طور که در تذکر ۱ گفته شد، عملگر ضرب نقطه‌ای از $H_\nu(G)$ به $H_\nu(G)$ لزوماً خوش‌تعریف نیست؛ اما قضیه زیر شرط لازم و کافی برای خوش‌تعریفی و کراننداری عملگر ضرب نقطه‌ای را ارائه می‌دهد.

قضیه ۲. فرض کنید ν یک تابع وزن باشد. در این صورت موارد زیر معادل هستند:

(۱) عملگر $M_\varphi: H_\nu(G) \rightarrow H_\nu(G)$ کراندار (پیوسته) است.

(۲) $\varphi \in H^\infty(G)$

برهان. فرض کنید (۱) برقرار باشد. در این صورت چون M_φ کراندار است، لذا ثابت مثبتی مانند M وجود دارد به‌طوری‌که به‌ازای هر $f \in H_\nu(G)$ داریم

$$\begin{aligned} \|M_\varphi(f)\|_\nu &= \|\varphi f\|_\nu \\ &= \sup_{\omega \in G} |\varphi(\omega)| |f(\omega)| \nu(\omega) \leq M. \end{aligned}$$

همچنین $\|f\|_\nu = \sup_{\omega \in G} |f(\omega)| \nu(\omega) < \infty$. بنابراین

$$\sup_{\omega \in G} |\varphi(\omega)| < \infty$$

یعنی $\varphi \in H^\infty(G)$

برعکس، اگر (۲) برقرار باشد، آنگاه خواهیم داشت

$$\begin{aligned} \|M_\varphi(f)\|_\nu &= \|\varphi f\|_\nu \\ &\leq \|f\|_\nu \sup_{\omega \in G} |\varphi(\omega)| \leq M \|f\|_\nu \end{aligned}$$

و در نتیجه M_φ کراندار است. \square

حال از قضیه ۲ و تعریف ضربگر $H_\nu(G)$ نتیجه

زیر را خواهیم داشت.

نتیجه ۱. فرض کنید ν یک تابع وزن باشد. در این

بنابراین خواهیم داشت $\lambda \in \overline{\varphi(G)}$. برعکس، اگر $\lambda \in \overline{\varphi(G)}$ ، آنگاه با روند مشابه بالا نتیجه می‌شود $\lambda \in \sigma(M_\varphi)$. □

قضیه ۵. اگر $\varphi \in H^\infty(G)$ ، آنگاه $M_\varphi: H_\nu(G) \rightarrow H_\nu(G)$ یک عملگر فشرده نیست.

برهان. چون φ روی G یک تابع غیرثابت پیوسته و G همبند است، لذا $\varphi(G)$ تک‌نقطه‌ای نیست و به عنوان یک زیر مجموعه همبند از C شمارش‌پذیر نیست. بنابراین $\overline{\sigma(M_\varphi)} = \overline{\varphi(G)}$ نیز یک مجموعه شمارش‌ناپذیر است و اکنون با توجه به قضیه ۱ حکم ثابت می‌شود. □

در پایان به یادآوری تعریف عملگر فردهلم و طرح یک سوال باز می‌پردازیم. فرض کنید X و Y فضاهای نرم‌دار و نگاشت $T: X \rightarrow Y$ یک تبدیل خطی کراندار باشد. در این صورت T را یک عملگر فردهلم گوئیم هرگاه

$$(1) \dim \text{Ker}(T) < \infty$$

$$(2) \dim \frac{Y}{\text{Im} T} < \infty \text{ و بسته}$$

سوال باز. آیا می‌توان یک شرط لازم و کافی برای فردهلم بودن عملگر ضرب نقطه‌ای $M_\varphi: H_\nu(G) \rightarrow H_\nu(G)$ بدون اعمال شرایط رشدی بر وزن ν یافت؟

$H_\nu(G)$ است و معکوس آن یعنی M_φ نیز به عنوان یک عملگر خطی معکوس‌پذیر می‌باشد. □

با توجه به آنچه که ثابت شد، اگر $\varphi \in H^\infty(G)$ ، آنگاه $M_\varphi: H_\nu(G) \rightarrow H_\nu(G)$ یک عملگر خطی کراندار است. اگر I عملگر همانی باشد طیف M_φ یعنی $\sigma(M_\varphi)$ به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\sigma(M_\varphi) = \left\{ \lambda \in C : \lambda I - M_\varphi \notin \text{Inv}(B(H_\nu(G))) \right\}$$

که در آن $\text{Inv}(B(H_\nu(G)))$ مجموعه تمام تبدیلات خطی کراندار و معکوس‌پذیر روی $H_\nu(G)$ است.

تذکر ۲. به‌وضوح خواهیم داشت

$$\begin{aligned} (\lambda I - M_\varphi)(f) &= \lambda f - \varphi f \\ &= (\lambda - \varphi)f = M_{\lambda - \varphi}(f) \end{aligned}$$

بنابراین $\lambda I - M_\varphi = M_{\lambda - \varphi}$.

قضیه ۴. $\sigma(M_\varphi) = \overline{\varphi(G)}$

برهان. اگر $\lambda \in \sigma(M_\varphi)$ ، آنگاه عنصر $M_{\lambda - \varphi} = \lambda I - M_\varphi$ معکوس‌پذیر نیست. لذا از قضیه

۳ نتیجه می‌شود $\frac{1}{\lambda - \varphi} \notin H^\infty(G)$ ؛ یعنی به‌ازای هر $n \in \mathbb{N}$ عنصری مانند $\omega_n \in G$ وجود دارد

$$\text{به‌طوری‌که } \frac{1}{|\varphi(\omega_n) - \lambda|} \geq n \text{ به‌طور معادل داریم}$$

$$\forall n \in \mathbb{N}, \exists \omega_n \in G \text{ s.t. } |\varphi(\omega_n) - \lambda| \leq \frac{1}{n}$$

$$\forall n \in \mathbb{N}, \exists \omega_n \in G \text{ s.t. } |\varphi(\omega_n) - \lambda| \leq \frac{1}{n}$$

References

- [1] M.L. Abo, Pointwise multiplication operators on weighted Banach spaces of analytic functions, *Studia Math.*, 137 (1999) 177-194.
- [2] M.A. Ardalani, W. Lusky, Weighted spaces of holomorphic functions on the upper halfplane, *Math. Scandinavica*, 111 (2012) 244-260.
- [3] J.B. Conway, *A course in functional analysis*, Springer Science & Business Media, 2013.
- [4] S. Lang, *Real and functional analysis*, vol. 142 of *Graduate Texts in Mathematics*, Springer, Berlin, Heidelberg, New York, 3 (1993) 5.